

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خط کوفی برگرفته از کتیبه های مسجد جامع قزوین



دانشکده اصول الدین  
تهران

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع:

**بصیرت‌گرایی از دیدگاه قرآن و روایات**

استاد راهنما:

دکتر منصور پهلوان

استاد مشاور:

دکتر غلامحسین تاجری نسب

نگارش:

کبری رشوندی

نیمسال اول ۹۱-۱۳۹۰



كلية اصول الدين

تهران

قسم علوم القرآن و الحديث

رسالة ماجستير

عنوانها:

البصيرة في القرآن و الحديث

الاستاذ المشرف:

الدكتور منصور البهلوان

الاستاذ المشاور:

الدكتور غلامحسين التاجري النسب

اعداد:

كبرى الرشوندى

السنة:

١٣٩٠-٩١

ج

تقدیم به

تقدیم به او که از شدت  
حضورش غایب است

## سپاس

حسب بیان شریف من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق وظیفه اخلاقی و انسانی خویش می‌دانم تا مراتب قدرشناسی و سپاس خویش را از اساتید گرانقدر و ارجمندی که افتخار بهره‌مندی از خرمن دانائیشان را داشته‌ام ابراز دارم. بویژه استاد بزرگوار راهنما جناب آقای دکتر منصور پهلوان که بی هیچ کم و کاستی، کمر همت بسته در این راه مشوق و یار و همراهم بوده‌اند. و همچنین استاد مشاور نیکوسرشتم جناب آقای دکتر غلامحسین تاجری نسب که با روی باز و گشاده رویی، تمام داشته‌های علمی و زحمات ارزشمند خویش را در اختیار فرزندان معنوی خویش قرار دادند.

## فهرست مطالب

۱	چکیده.....
۲	مقدمه.....
۳	فصل اول- کلیات و مفاهیم.....
۴	۱-۱ کلیات.....
۴	۱-۱-۱ تبیین مسأله.....
۵	۲-۱-۱ ضرورت تحقیق.....
۵	۳-۱-۱ اهداف تحقیق.....
۵	۴-۱-۱ سوالات تحقیق.....
۶	۵-۱-۱ فرضیات تحقیق.....
۶	۶-۱-۱ پیشینه تحقیق.....
۷	۷-۱-۱ روش تحقیق و گردآوری.....
۸	۲-۱ مفهوم لغوی بصیرت.....
۸	۱-۲-۱ بصیرت.....
۸	۲-۲-۱ برهان.....
۹	۳-۲-۱ علم.....
۹	۴-۲-۱ قوه ادراک.....
۹	۵-۲-۱ معرفت.....
۹	۶-۲-۱ عبرت.....

۱۰	..... ۷-۲-۱ عقیده قلب
۱۰	..... ۸-۲-۱ یقین و حجّة واضحه
۱۰	..... جمع بندی
۱۱	..... ۳-۱ مفهوم اصطلاحی بصیرت
۱۱	..... ۱-۳-۱ تعریف التهانوی
۱۱	..... ۲-۳-۱ رسول حق
۱۱	..... ۳-۳-۱ تعقل
۱۱	..... ۴-۳-۱ قوه ادراک قلب
۱۱	..... ۵-۳-۱ علم
۱۳	..... ۴-۱ مترادف بصیرت
۱۳	..... ۱-۴-۱ یقظه
۱۳	..... ۲-۴-۱ نور
۱۳	..... ۳-۴-۱ فرقان
۱۳	..... ۴-۴-۱ عقل
۱۴	..... ۵-۴-۱ علم
۱۴	..... ۶-۴-۱ تفکر
۱۵	..... ۷-۴-۱ تدبیر
۱۵	..... ۸-۴-۱ معرفت
۱۵	..... جمع بندی

## فصل دوم- جایگاه بصیرت و مترادفات آن، در آیات قرآن و روایات..... ۱۶

۱۷	..... مقدمه فصل
۱۸	..... ۱-۲ آیات قرآن
۱۸	..... ۱-۱-۲ سوره جاثیه ۲۰
۲۱	..... ۲-۱-۲ سوره انعام ۱۰۴
۲۵	..... ۳-۱-۲ سوره یوسف ۱۰۸
۲۷	..... ۴-۱-۲ سوره نمل ۱۳-۱۴
۲۸	..... ۵-۱-۲ سوره قصص ۴۳
۳۰	..... ۶-۱-۲ سوره زمر ۹
۳۲	..... ۷-۱-۲ سوره بقره ۲۶۹
۳۷	..... ۸-۱-۲ سوره رعد ۱۹
۴۰	..... ۹-۱-۲ سوره سبأ ۲۸
۴۲	..... ۱۰-۱-۲ سوره طلاق ۱۰-۱۱
۴۳	..... ۱۱-۱-۲ سوره انعام ۵۰
۴۷	..... ۱۲-۱-۲ سوره فاطر ۱۹
۴۹	..... ۱۳-۱-۲ سوره رعد ۱۶
۵۳	..... ۱۴-۱-۲ سوره علق ۵-۱

۵۶	.....سوره جمعه ۲-۱-۱۵
۶۰	.....روایات ۲-۲
۶۹	.....جمع بندی
۷۱	.....فصل سوم - عوامل تحقق بصیرت از دیدگاه آیات قرآن و روایات
۷۲	.....مقدمه فصل
۷۳	.....۱-۳ ایمان
۸۱	.....۲-۳ تقوا
۸۶	.....۳-۳ یاد و ذکر الهی
۸۹	.....۴-۳ قرآن
۹۲	.....۵-۳ تفکر در آیات و خلقت الهی
۹۷	.....۶-۳ توبه
۹۹	.....۷-۳ عبرت از تاریخ احوال گذشتگان
۱۰۲	.....جمع بندی
۱۰۳	.....فصل چهارم - موانع تحقق بصیرت از دیدگاه آیات قرآن و روایات
۱۰۴	.....مقدمه فصل
۱۰۵	.....۱-۴ تیرگی های نفسانی
۱۱۱	.....۲-۴ هوای نفس
۱۱۸	.....۳-۴ دوستی کورکورانه
۱۲۲	.....۴-۴ تکبر و خود بینی
۱۲۷	.....۵-۴ انکار حق
۱۳۰	.....۶-۴ استبداد و خود رأیی
۱۳۳	.....۷-۴ آرزوگرایی
۱۳۶	.....جمع بندی
۱۳۷	.....نتیجه گیری
۱۳۹	.....منابع
۱۴۶	.....Abstract



## چکیده

پژوهش حاضر به بررسی بصیرت از دیدگاه قرآن و روایات پرداخته است. پس از ارائه کلیات و مفاهیم، جایگاه و اهمیت بصیرت مورد بررسی قرار گرفته است. از بسیاری آیات و احادیث بصورت صریح و روشن استفاده می‌شود که ارزش و عظمت انسان‌ها به بصیرت و معرفت آنها منتهی می‌شود و هر انسانی که از بصیرت بیشتر و کامل تری برخوردار است به همان میزان از ارزش و عظمت و شخصیت والای انسانی بیشتری بهره مند است و هر کس از بصیرت بهره‌ای ندارد در واقع فاقد هر گونه ارزش معنوی و کمال آدمی است. قرآن می‌فرماید:

﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾. در ادامه به مباحثی هم چون عوامل تحقق بصیرت می‌پردازد که عبارتند از: ایمان، تقوا، ذکر و یاد الهی، قرآن، تفکر در آیات خدا، توبه، عبرت از تاریخ احوال گذشتگان. پس از آن موانع بصیرت بیان شده است که عبارتند از: تیرگی‌های نفسانی، هوای نفس، دوستی کورکورانه، تکبر و خودبینی، انکار حق، استبداد و خودرأیی، آرزوگرایی. این عوامل بر اساس آیات و روایات، مبسوط مورد بررسی قرار گرفته است.

## مقدمه

آدمی در هر کرانه از کرانه‌های این هستی پهناور و ژرف که بنگرد هیچ بیهودگی نمی‌بیند؛ همه در تلاش و کوشش هستند و هر چیز و هر موجود به سوی مقصدی عالی و حکیمانه روان است. مثلاً به چشمه‌ای بنگرید که از کناره تخته سنگی می‌جوشد و در بستری روان می‌شود و شب و روز در جریان است. بر گیاه و سنگریزه می‌گذرد و گیاهی را سیراب می‌کند. این چشمه‌ای کوچک است با چنین تلاشی و چنین سرنوشتی. چنین است حالت هر چه در جهان هستی قرار گرفته است.

آیا برای آدمی شایسته است که تلاشی نکند؟ و اگر تلاشی می‌کند، آیا رواست که کوشش و تلاش او برنامه‌ای درست و هدفی در خور شأن آدمی نداشته باشد؟ آیا ممکن است که برنامه‌ای درست و هدفی بزرگ، بدون شناخت و خود آگاهی و الهام‌گیری و اخلاص وجود یابد. بنابراین پافشاری برای فراهم آوردن انگیزه‌ها و وسایلی که سبب رسیدن به شناخت و معرفت می‌شود بزرگترین خدمت انسانی و عالیترین عمل اجتماعی و والاترین گام اصلاحی و مهم‌ترین تکلیف الهی است، که بر هر انسان واجب است به آن قیام کند. شناخت برای آدمی همچون زندگی برای اوست، از آن جهت که شناخت و معرفت منشأ زندگی انسانی است. شناخت بالاترین نوع عبادت و تقرب به خداست، تا آنجا که ارزش هر عبادت و تقرب، منوط به اندازه شناخت و معرفت عمل کننده است. ارزش انسان به شناخت‌ها و دریافته‌های او و ملاک امتیاز اصلی انسان، عقل و دریافت انسان است.

در این رساله سعی بر آن است تا اهمیت این شناخت در قرآن و روایات مورد بررسی قرار گیرد.

فصل اول

کلیات و مفاهیم

## ۱-۱. کلیات

برای ورود هر چه بهتر به بحث لازم است، مباحث کلی و مفاهیم تعریف شوند؛ از این رو این فصل را اختصاص می‌دهیم به تعریف و بررسی مباحثی همچون:

تبیین مسأله، ضرورت تحقیق، اهداف تحقیق، سوالات تحقیق، فرضیات تحقیق، پیشینه تحقیق، روش تحقیق و گردآوری، مفهوم لغوی بصیرت، مفهوم اصطلاحی بصیرت، واژه‌های مترادف بصیرت و در پایان جمع بندی.

### ۱-۱-۱. تبیین مسأله

بصیرت‌گرایی از دیدگاه قرآن و روایات: ارزش و اهمیتی که آیات قرآن و روایات برای بصیرت قائل شده‌اند و نیز بررسی و جایگاه والای آن در اندیشه‌های دینی، موضوع اصلی این تحقیق است. سوالاتی که در این تحقیق مطرح شده‌اند و ما به دنبال ارائه پاسخ مناسب از قرآن و روایات نسبت به آن‌ها هستیم به قرار زیر است:

۱. بصیرت و شناخت و آگاهی و بینش از دیدگاه آیات قرآن و روایات در چه درجه‌ای از اهمیت است و در چه جایگاهی قرار دارد؟

۲. عوامل ایجاد و پیدایش بصیرت از دیدگاه آیات قرآن و روایات کدام است؟

۳. موانع تحقق و پیدایش بصیرت از دیدگاه آیات قرآن و روایات چیست؟

## ۱-۱-۲. ضرورت تحقیق

انسان موجودی زنده و دارای حیات است که از علم و قدرت برخوردار می‌باشد و از جمله زمینه‌های کسب و رشد علم؛ بصیرت، تفکر و تدبیر است و از طرفی به هر میزان که علم در شخصی شکوفاتر باشد او در درجه حیات، مستعدتر و پیش‌روتر است و علم و معرفتی مهم‌تر از بصیرت‌گرایی و تفکر و تعقل از دیدگاه آیات قرآن و روایات نمی‌توان یافت. از این رو پرداختن به مسأله "چگونگی تحقق بصیرت در آیات قرآن و روایات" امری بس بزرگ و در خور اهمیت است. زیرا دستاورد آن صید مروارید معرفت الهی است که از یک سو باعث فرو نشاندن عطش روح آدمی شده است و از طرف دیگر به تشنگی بیشتر او در کسب علم و معرفت می‌انجامد. البته ذکر این نکته ضروری است که تشنگی روح باعث می‌شود تا انسان از غلبه شهوات تباه‌کننده جسم و جان و عقل و ایمان و دنیا و آخرت نجات یابد، و این امر با تقویت نیروی بصیرت و تعقل و تفکر امکان‌پذیر است. از سوی دیگر گرچه موضوع بصیرت‌گرایی در آیات قرآن و روایات و کتب سیره و اخلاق مطرح بوده است و تقریباً در همه جوامع حدیثی و کتب اخلاقی مطالبی درباره آن یافت می‌شود، اما تحقیق کامل و مستقلی در این زمینه وجود ندارد، بنابراین با توجه به اهمیت بصیرت‌گرایی و تعقل و تفکر لازم است که تحقیق مستقلی در این زمینه انجام گیرد. آیات قرآن و روایات در این زمینه به طور مستقل مورد بررسی قرار گرفته و نکات بدیع ارائه شده است.

## ۱-۱-۳. اهداف تحقیق

اهداف تحقیق به این قرار است؛

۱. بررسی جایگاه و اهمیت بصیرت‌گرایی و تشویق همگان به امر بصیرت در آیات قرآن و روایات، که در نتیجه به نورانیت دلها می‌انجامد و اثرات این نورانیت به دیگر بخش‌های جامعه نیز سرایت می‌کند و دلیل آن این است که کل، یعنی جامعه بیرو افراد که بخشی از این جامعه هستند می‌باشد.
۲. بررسی عوامل پیدایش بصیرت و کمک به خود و دیگران در خودسازی عمیق و از روی معرفت و آگاهی امری اجتناب‌ناپذیر است و یک راه مسلم آن بصیرت‌گرایی و تعقل است و رسیدن به این شیوه امری مقدس و حیاتی است، در نتیجه سعی ما در این مسأله بر آن است که اهمیت این موضوع را بیان کنیم.
۳. بررسی آیات و روایاتی که ما را به بصیرت فرا می‌خواند و بر شمردن موانعی که بر سر راه بصیرت‌گرایی وجود دارد.

## ۱-۱-۴. سوالات تحقیق

با توجه به ذکر این مبحث سوالات تحقیق عبارتند از:

۱. بصیرت‌گرایی از دیدگاه آیات قرآن و روایات از چه جایگاهی برخوردار است؟

۲. آیات قرآن و روایات چه عرصه‌هایی را جهت تحقق در ایجاد بصیرت به منظور دستیابی به معارف

توحیدی معرفی می‌نمایند؟

۳. آیات قرآن و روایات چه موانعی را در زمینه تحقق بصیرت‌گرایی معرفی می‌نمایند؟

۱-۱-۵. فرضیات تحقیق

۱. از منظر آیات قرآن و روایات تنها راه تکامل مادی و معنوی، سازندگی دنیا و آخرت، رسیدن به جامعه

مطلوب و مقصد اعلا‌ی انسانی، بصیرت‌گرایی و تفکر صحیح است.

۲. بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات، ارزش هر فردی به میزان بصیرت و تعالی اندیشه‌های او است.

۳. از دیدگاه آیات قرآن و روایات، افرادی که از نعمت بصیرت و تعقل بی بهره‌اند و فرمان‌های الهی را

انکار می‌کنند گمراه‌ترین موجودات هستند.

۴. بصیرت نیاز به یک مقدمه علمی اساسی دارد و این علم اولیه را می‌توان با سیر در طبیعت، نگرش در

وقایع گذشتگان و دقت در شگفتی‌های آفرینش بدست آورد.

۵. یکی از مهم‌ترین راهکارهای دریافت سعادت همه جانبه، بصیرت و تفکر در آیات قرآن برای پی بردن

به عظمت الهی و رسیدن به شناخت و معرفت توحیدی است.

۶. بصیرت‌گرایی منتهی به صید معارف ناب توحیدی و ولایی متعلق به روح‌های قدسی و ملکوتی است

که از اسارت زنجیرهای علایق مادی، رهایی پیدا کرده‌اند.

۷. از راههای تحقق بصیرت و تعقل، ایمان به خدا، پرهیزکاری و ذکر الهی است.

۱-۱-۶. پیشینه تحقیق

پژوهش حاضر که با عنوان بصیرت‌گرایی از دیدگاه قرآن و روایات تنظیم و تدوین گردیده است، از نظر

پیشینه به شکل مستقل و همه جانبه از سوی دانشمندان و پژوهشگران مورد بررسی قرار نگرفته است، ولی در

لابلای کتب روایی، اخلاقی و تفسیری، موضوعات و مفاهیم آن مطرح شده و به اهمیت و جایگاه آنها تاکید شده

است که می‌توان از آنها به عنوان پیشینه تحقیق یاد نمود و در گردآوری این اثر از آن منابع بهره گرفت. از جانب

دیگر اگر پیشینه تحقیق از حیث موضوع خاصی مورد نظر قرار گیرد تحقیقی که بصیرت را از دیدگاه قرآن و

روایات مورد بررسی قرار داده باشد بسیار اندک است که عبارتند از:

۱- رحیمی، علیرضا؛ بررسی جایگاه تعقل در تعلیم و تربیت اسلامی و ارائه نظریه بصیرت، رساله

دکتری، استاد راهنما: دکتر علی شریعتمداری، دانشگاه بین‌المللی علوم اسلامی لندن، ۱۳۸۶ ه.ش.

در عین حال می توان به مواردی اشاره کرد که تا حدودی با این تحقیق در ارتباط هستند:

۱- محمدی ری شهری، محمد؛ خرد گرایی در قرآن و حدیث، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۸ ه.ش.

۲- شیخ الاسلامی تویسرکانی، حسن؛ فکر و اندیشه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ه.ش.

۳- سلطانی، اختر؛ تفکر و تدبر در آیات قرآن و روایات معصومین، پایان نامه کارشناسی ارشد

علوم قرآن و حدیث، استاد راهنما: محمد رضا آشتیانی، دانشگاه آزاد اراک، ۱۳۷۷ ه.ش.

این پژوهش گرچه خالی از نقص و عیب نیست ولی در نوع خود تحقیقی سازمان یافته به حساب می آید

که به بررسی بصیرت از دیدگاه قرآن و روایات پرداخته و در نوع خود در این زمینه کار تازه و رویکرد جدیدی

است تا برای پژوهشگران در این زمینه، گشایشی باشد.

۱-۱-۷. روش تحقیق و گردآوری:

در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است یعنی با مراجعه به منابع و گردآوری مطالب اعم

از آیات قرآن، روایات و مباحث اخلاقی اندیشمندان پیرامون موضوع تحقیق از آن‌ها بهره برده و به منظور

پیوستگی و ارتباط بخشیدن به مطالب از شیوه تحلیل و توصیف استفاده شده است. همچنین جمع آوری مطالب

و گردآوری آنها با مراجعه به کتابخانه‌های در دسترس و بازشناسی منابع مورد نظر اعم از کتب تفسیری،

روایات اخلاقی و... انجام شده و در تدوین تحقیق حاضر به کار گرفته شده است. همچنین از نرم افزارهای

مرتبط چون نرم افزار جامع التفاسیر نور، جامع الاحادیث، و... در این زمینه بهره گیری شده است.

## ۱-۲. مفهوم لغوی بصیرت

### ۱-۲-۱. بصیرت

بصیرت در لغت از ماده "بَصَرَ" و جمع آن بصائر است که به معنای: بینایی<sup>۱</sup>، بینش<sup>۲</sup>، دانایی<sup>۳</sup>، زیرکی<sup>۴</sup>، عقل<sup>۵</sup>، رؤیت، شاهد<sup>۶</sup>، حجّت<sup>۷</sup>، تدبیر، شناخت و تأمل<sup>۸</sup>، علم<sup>۹</sup>، آگاهی و خرد اطلاق می‌گردد.

صاحب صحاح اللغة در ماده بصر می‌نویسد: «أَبَصَرْتُ الشَّيْءَ: رَأَيْتُهُ» که بصیرت را به معنای رؤیت گرفته است. «الْبَصْرُ: الْعِلْمُ. بَصَرْتُ بِالشَّيْءِ: عَلِمْتُهُ. التَّبَصُّرُ: التَّأَمُّلُ وَ التَّعَرُّفُ. الْمَبْصَرَةُ: الْحُجَّةُ<sup>۱۰</sup>».

برخی، بصیرت را به معنی بینایی دل<sup>۱۱</sup> گرفته و گفته‌اند: این معنا مترادف معرفت<sup>۱۲</sup> است. حجّت و دلیل را نیز یکی از معانی بصیرت شمرده به آن سبب که حجّت و دلیل<sup>۱۳</sup>، موجب بصیرت و بینایی است. ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرٍ مِّن رَّبِّكُمْ: أَي حُجَجٌ بَيِّنَةٌ﴾.

مفرد بصائر بصیرت است و بصیرت، نور قلب است کما این که بصر نور چشم است. «سَمَّيْتُ بِهَا الدَّلَالَهَ لِأَنَّهَا تَجْعَلُوا الْحَقَّ وَ يُبْصِرُ فِيهَا<sup>۱۴</sup>».

### ۱-۲-۲. برهان

برخی بصیرت را به معنای برهان<sup>۱۵</sup> گرفته‌اند. صاحب المقایس اللغة گوید «الْبَصِيرَةُ: الْبُرْهَانُ وَ أَصْلُ ذَلِكَ كُلُّهُ وَضُوحُ الشَّيْءِ».

۱- الکشف عن غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۹۸. موسوعه کشف و اصطلاحات الفنون و العلوم، ص ۳۳۶.

۲- موسوعه کشف و اصطلاحات الفنون و العلوم، ص ۳۳۷.

۳- منتهی الارب، ص ۱۴۵.

۴- الکشف عن غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۹۹.

۵- محیط المحيط، ص ۳۴۵.

۶- منتهی الارب، ص ۱۴۰. محیط المحيط، ص ۳۴۵.

۷- ترجمان القرآن، ص ۲۶. منتهی الارب، ص ۱۰۶. لسان العرب، ج ۱، ص ۳۰۰.

۸- لسان العرب، ج ۱، ص ۳۰۰.

۹- معجم الوسیط، ص ۵۹. تاج العروس، ج ۹، ص ۱۰۵.

۱۰- الصحاح تاج اللغة، ج ۲، ص ۵۹۱.

۱۱- ترجمان القرآن، ص ۲۶.

۱۲- محیط المحيط، ص ۳۴۵. المعجم المعجمی، ص ۴۴۴.

۱۳- تاج العروس، ج ۹، ص ۱۰۶. لسان العرب، ج ۱، ص ۳۰۰.

۱۴- قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۹۵. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۵۶.

۱۵- مجمل اللغة، ص ۷۸. المقایس اللغة، ج ۱، ص ۱۱۸.



### ۱-۲-۳. علم

بصیرت به معنای علم نیز گرفته شده است. « أَبْصَرَ الشَّيْءَ وَبَصُرَ بِهِ: أَيْ عَالِمًا بِهِ » در لسان العرب آمده: « قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: بَصَّرْتُ بِمَا لَمْ يُبْصِرُوا بِهِ: أَيْ عَلَّمْتُ بِمَا لَمْ يَعْلَمُوا بِهِ مِنَ الْبَصِيرَةِ - إِنَّهُ بَصِيرٌ بِالأَشْيَاءِ أَيْ عَالِمٌ بِهَا ».

### ۱-۲-۴. قوه ادراک

قُوَّةُ الإِدْرَاقِ وَ الفِطْنَةُ وَ العِلْمِ وَ الخِبْرَةِ. فَعَلَ ذَلِكَ عَنِ بَصِيرَةٍ أَيْ عَنِ عَقِيدَةٍ وَ رَأْيٍ. برخی از اهل لغت بصیرت را بقوه درک<sup>۲</sup> و زیرکی و علم و خبره بودن معنی کرده‌اند. واژه بصیرت به معنای عقل، عبرت، شاهد، حجت و خبیر نیز آمده است و صاحب معجم، بصیرت و علم و خبیر را به یک معنی گرفته است<sup>۳</sup>.

در لسان العرب آمده: « اجْعَلْنِي بَصِيرَةً عَلَيْهِمْ أَيْ بِمَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ » و نیز « إِنْ شِئْتَ كَانَ الْإِنْسَانُ هُوَ الْبَصِيرَةَ عَلَى نَفْسِهِ أَيْ الشَّاهِدُ ».

### ۱-۲-۵. معرفت

از واژه بصیرت به معرفت نیز تعبیر شده است. آنجا که خداوند متعال، پیامبرش را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: ﴿ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴾. در این آیه شریفه برخی از اهل لغت، بصیرت را به معنی معرفت<sup>۵</sup> گرفته‌اند. "عَلَى بَصِيرَةٍ" ای "عَلَى مَعْرِفَةٍ". خداوند به پیامبرش می‌گوید بگو این راه من است؛ من و پیروانم با بصیرت کامل یعنی با معرفت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم، منزّه است خدا و من از مشرکین نیستم.

### ۱-۲-۶. عبرت

بصیرت را به معنای عبرت هم گرفته‌اند: ﴿بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّهِمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ این کتاب برای مردم بصیرت آفرین است یعنی مایه عبرت است<sup>۶</sup>.

۱- المقایس اللغة، ج ۱، ص ۱۱۸. مجمل اللغة، ص ۷۸. تاج العروس، ج ۹، ص ۱۰۶. لسان العرب، ج ۱، ص ۳۰۰. منتهی الارب، ص ۱۴۳. محیط المحيط، ص ۳۴۵. اساس البلاغة، ص ۴۰. التحقيق في كلمات القرآن، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲- تاج العروس، ج ۹، ص ۱۹۵. القاموس المحيط، ص ۱۱۰. لسان العرب، ج ۱، ص ۶۵. محیط المحيط، ج ۱، ص ۴۲. المحکم و المحيط الاعظم، ج ۸، ص ۳۱۶.

۳- المقایس اللغة، ج ۱، ص ۱۱۸. تاج العروس، ج ۹، ص ۱۹۵. تهذیب اللغة، ج ۱۲، ص ۱۲۳. المحکم و المحيط الاعظم، ج ۸، ص ۳۱۶. محیط المحيط، ص ۴۲.

۴- لسان العرب، ج ۱، ص ۳۰۰. العين، ج ۷، ص ۱۱۷.

۵- مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۷. التحقيق في كلمات القرآن، ج ۱، ص ۲۸۱. محیط المحيط، ص ۲۴۵.

۶- مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۷. العين، ج ۷، ص ۱۴۲. تاج العروس، ج ۹، ص ۱۹۴. تهذیب اللغة، ج ۱۲، ص ۱۲۳. منتهی الارب، ص ۱۰۶.

## ۱-۲-۷. عقیده قلب

برخی بصیرت را به معنای عقیده قلب، ثبات در دین، استبصار در دین در نظر گرفته‌اند. صاحب جمهرة اللغة درباره مفهوم واژه بصیرت می‌گوید: «البصيرة: الاسم من الإستبصار في الدين»<sup>۱</sup> و در تاج العروس آمده: «البصيرة: الثبات في الدين»<sup>۲</sup> و در العين مفهوم بصیرت چنین آمده است: «البصيرة: اسم لما اعتقد في القلب من الدين و تحقيق الأمر»<sup>۳</sup>.

## ۱-۲-۸. یقین و حجة واضحة

واژه بصیرت در معنای یقین و حجة واضحة نیز به کار برده شده است. قَالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ﴾<sup>۴</sup> «أى "على بيانٍ و حجة واضحة"».

## جمع بندی

معنای اصلی بصیرت، علم و معرفت و آگاهی است. اما برخی معانی دیگری همانند تدبیر، معرفت، بینش، زیرکی، شناخت، خرد و عبرت را نیز آورده‌اند.<sup>۵</sup>

۱-جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۱۴۱.

۲- تاج العروس، ج ۹، ص ۱۰۶.

۳- تاج العروس، ج ۷، ص ۱۱۷. لسان العرب، ج ۱، ص ۳۰۰. القاموس المحيط، ص ۱۱۰. تاج العروس، ج ۹، ص ۱۰۷. تهذيب اللغة، ج ۱۲، ص ۱۲۳.

المحكم و المحيط الاعظم، ج ۸، ص ۳۱۶. شمس العلوم، ج ۱، ص ۳۱۷. جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۱۴۱.

۴- محيط المحيط، ج ۱، ص ۳۴۵. لسان العرب، ج ۴، ص ۶۵.

۵- التحقيق في كلمات القرآن، ج ۱، ص ۲۸۱ - ۲۸۰.

### ۱-۳. مفهوم اصطلاحی بصیرت

بصیرت واژه‌ای مشترک در قرآن، حدیث و عرفان می‌باشد.

#### ۱-۳-۱. تعریف التهانوی

التهانوی در معنای بصیرت می‌گوید: «البصيرة هي قوة للقلب، منورة بنور القدس ترى بها حقائق الأشياء و بواطنها بمنابة البصر للنفس الذي ترى به صور الأشياء و ظواهرها و هي القوة التي يسميها الحكماء العاقلة النظرية. و أما إذا تنورت بنور القدس و انكشف حجابها بهداية الحق فيسميها الحكيم القوة القدسية».

بصیرت نیرویی است برای قلب، منور است به نور قدس که بواسطه آن حقایق و بواطن اشياء دیده می‌شود و به منزله بصر برای نفس است که به واسطه آن صور اشياء و ظواهر آن دیده می‌شود. بصیرت نیرویی است که حکما آن را عاقله نظری نام نهاده‌اند و وقتی که به نور قدس منور شود، حجابهای عاقله نظری به سبب هدایت حق کشف می‌شود و حکیم، بصیرت را قوه قدسیه نامیده است.

#### ۱-۳-۲. رسول حق

بصیرت، عقل و رسولی از جانب حق است همان طوری که پیامبران در ظاهر برای تبلیغ شرایع و احکام و تعلیم بندگان فرستاده شده‌اند عقل و بصیرت نیز در باطن فرستاده شده است.

#### ۱-۳-۳. تعقل

بصیرت همچون تعقل قوه ای روحانی است که به لحاظ ذات، مجرد و به حسب فطرت، مایل به خیرات و کمالات و داعی به عدل و احسان است.<sup>۱</sup>

#### ۱-۳-۴. قوه ادراک قلب

بصیرت، قوه ادراک قلب است. در تاج العروس آمده: «البصيرة: هي قوة القلب المدركة»<sup>۲</sup>. صاحب مفاتیح الاعجاز می‌گوید: «بسیاری از حقایق فقط با دیده دل دیده می‌شود، مانند ادراک حق».

#### ۱-۳-۵. علم

برخی بصیرت را علم معنی کرده‌اند و گفته‌اند «البصيرة: العلم؛ هو النور الظاهر بذاته المظهر لغيره»<sup>۳</sup>. بصیرت علم است، نوری که به خودی خود آشکار و ظاهر است و آشکار کننده غیر خودش نیز می‌باشد.

۱- موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، ص ۳۳۷. التوفيق على مهمات التعاريف، ص ۱۳۳. اصطلاحات الصوفية، ص ۳۸، التعريفات، ص ۶۰.

۲- موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، ص ۳۳۷. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۱.

۳- معجم لغوی مطول، ص ۶۹. تاج العروس، ج ۹، ص ۱۰۷. مفاتیح الاعجاز، ص ۶۶.

۴- محیط المحيط، ص ۴۲.

در جای دیگر آمده است: «إِنَّ الْعِلْمَ هُوَ الْكَاشِفُ وَالْمُظْهِرُ وَلَا كَاشِفَ وَلَا مُظْهِرَ فِي الْمَخْلُوقَاتِ سِوَاهُ فَلَا مَحَالَةَ أَنْ يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لِغَيْرِهِ، فَالنُّورُ الْحَقِيقِيُّ هُوَ نُورُ الْعِلْمِ وَبِهِ الْبَصِيرَةُ»<sup>۱</sup>.

علم کشف کننده و آشکار کننده اشیاء است و هیچ آشکار کننده‌ای غیر از علم در مخلوقات وجود ندارد و علم کشف کننده غیر است و نور حقیقی، نور علم است که به واسطه آن بصیرت به دست می‌آید.

---

۱- تنبیها ت حول المبدأ و المعاد، ص ۲۰.